Archive of SID

دوفصلنامهٔ علمی
جستارهای اقتصادی ایران
س۱۷، ش۳۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۹
صفحات ۹-۳۵
مقاله علمی-پژوهشی

Biquarterly Journal
of
Iran's Economic Essays
Vol.17, No.34, Autumn & Winter 2020-2021

بهینه‌سازی ساختار قراردادهای بانکی بر مبنای الگوی قراردادهای ناقص در بانکداری بدون ربای ایران

کامران ندری*
محمدمهدی عسکری**
محمدهادی زاهدی‌وفا***
علی مصطفوی‌ثانی****

چکیده

قراردادی که برخی جنبه‌های آن تصریح نشده باشد یا اجرای آن بدون هزینه امکان‌پذیر نیست، ناقص است. در فضای پیچیده و نامطمئن اقتصاد، معمولاً قراردادهای بانکی و مالی ناقص هستند. ناقص بودن قرارداد سبب کاهش اثربخشی آن می‌شود. هدف این مطالعه بررسی الزامات قراردادهای بانکی کشور از منظر نقص در قراردادهاست. این مطالعه نقش عوامل مختلف ایجادکننده نقص در قرارداد را بر عملکرد قراردادهای بانکی کشور تحلیل خواهد نمود.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که قراردادهای بانکی کشور به دلیل اثبات‌ناپذیری قراردادها، هزینه مبادله زیاد، نااطمینانی، ابهام و پیچیدگی در قراردادها، ناقص هستند که موجب عدم اجرای کامل تعهدات و شکل‌گیری شرایط فرصت‌طلبی و مشکل گرفتاری در قراردادهای بانکی کشور می‌شود. درنتیجه لازم است مکانیسم‌هایی برای جبران نقص در قراردادها طراحی شود.

با توجه به عدم اجرای کامل غربال‌گری مشتریان در نظام بانکی کشور به نظر می‌رسد بهترین مکانیسم جبران نقص در قرارداد افزایش همبستگی بانک و مشتری در قالب الگوی بانکداری رابطه محور است که می‌تواند مشکلات ناشی از نقص در قراردادها را کاهش دهد.

واژگان کلیدی: قرارداد ناقص، مشکل گرفتاری، فرصت‌طلبی، قراردادهای بانکی و بانکداری رابطه‌محور.

---

* استادیار اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع) و عضو هیئت علمی پژوهشکده پولی و بانکی، سایر، دکترای تخصصی k.nadri@gmail.com
** عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع)، دانشیار، دکترای تخصصی m.mahdi.askari@gmail.com
*** عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع)، دانشیار، دکترای تخصصی zahedi@isu.ac.ir
**** دانشگاه امام صادق(ع)، سایر، دانشجوی دکترا، (نویسنده مسئول) mostafavisani@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۱۳

www.SID.ir

Archive of SID

۱. مقدمه

قراردادها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چارچوب‌های نهادی تعیین‌کننده قواعد بازی شناخته می‌شوند. جریان متعارف اقتصاد توان نگاه تعاملاتی و قراردادی به اقتصاد را ندارد و بنابراین نمی‌تواند چارچوبی نظری برای تحلیل سازمان‌یافته فضای واقعی قراردادهای مالی ارائه دهد. یکی از نوآوری‌های اساسی نظریه قراردادها در علم اقتصاد تغییر در ساختار تحلیلی مسائل اقتصادی است. در اقتصاد نئوکلاسیک، انتخاب‌های اقتصادی با تمرکز بر فرد یا بنگاه مطالعه می‌شود. این تمرکز بر واحد تصمیم‌گیری فردی، سبب شده جنبه‌های مهمی از فعالیت اقتصادی نادیده گرفته شود.

به نظر آرجیرز (۲۰۱۰) قوت اقتصاد قراردادها این است که می‌تواند بازه بسیار گسترده‌ای از روابط مبادله‌ای را تحلیل کند که اقتصاد نئوکلاسیک مستقیماً به آنها نپرداخته است. نظریه قراردادهای کامل (نظریه انگیزه‌ها)[1] به صورت رسمی به دو بخش نظریه اطلاعات پنهان[2] و نظریه عمل پنهان[3] تقسیم می‌شود؛ امّا توسعه مدل‌های اقتصاد قراردادها و همچنین ناکارآمدی دو بخش متعارف این نظریه در تبیین تمام حالات قراردادی به شکل‌گیری نظریه قراردادهای ناقص[4] منجر شد. هنوز مطالعات حوزه قراردادهای ناقص در بخش‌های مختلف ازجمله بازارهای مالی و بانکی کاربرد گسترده پیدا نکرده است. گرچه بسیاری از اقتصاددانان از جهت نظری آن را نظام تحلیلی قدرتمندی می‌دانند، امّا مطالعات زیادی بر این اساس انجام نشده است و این شاخه از علم در بخش کاربردی هنوز بسیار جوان است.

به دلیل ماهیت بین‌رشته‌ای و پیچیده‌تر شدن مسائل حوزه‌های گوناگون ازجمله قراردادهای مالی و بانکی نیاز به مطالعات در این حوزه برای روشن شدن ابعاد مختلف آن به‌شدت احساس می‌شود. می‌توان گفت که نظریه قراردادهای ناقص، بینش مفهومی جدیدی را در این حوزه فراهم نموده است؛ امّا تاکنون آثار عملیاتی چندانی نداشته است که البته ناظر به غفلت نظریه‌پردازان از ایجاد راهنماهای عملیاتی برای این نظریه در حوزه قراردادهای بانکی و مالی بوده است.

تعدادی از پژوهش‌های داخلی با تکیه بر نظریه قراردادهای کامل به تحلیل عقود و چارچوب بانکداری بدون ربا کشور پرداخته‌اند؛ از جمله عبدلی و قوامی (۱۳۹۱)، زاهدی وفا و قوامی

1. Incentive theory.
2. Hidden information.
3. Hidden action.
4. Incomplete contract theory.

www.SID.ir

Archive of SID

(۱۳۹۰) و مکیان (۱۳۹۲) سعی در انطباق رویکرد مدیرعامل در عقود مشارکت مدنی و مضاربه داشته‌اند. بهاروندی و همکاران (۱۳۹۱) یا طغیانی و همکاران (۱۳۹۴) سعی در کاهش خطرات و مشکلات برآمده از عدم تقارن اطلاعات در عقود مشارکتی بر مبنای تئوری نمایندگی دارد.

قوامی و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی تجربی و تطبیقی اثر علامت‌دهی در عقود مالی پرداخته‌اند. عقود مالی به واسطه آسیب‌پذیری نسبت به اطلاعات نامتقارن در مرکز توجه این مقالات بوده‌اند؛ امّا کاربست این مدل‌سازی در دیگر عرصه‌های صنعت بانکداری مانند مطالبات غیرجاری، بنگاه‌داری بانک‌ها و... همچنان مغفول مانده است. افزون‌براین پژوهش‌ها ناظر به بسیاری از مشکلات نهادی-قراردادی نظام بانکی مانند صوری‌سازی عقود یا انحراف تسهیلات نتوانسته‌اند تبیینی ارائه دهند و صرفاً کاربست آنها در فضای قراردادهای کامل و کاربست‌های آن (هزینه‌های نمایندگی، بهینه‌سازی عقود مشارکتی و...) خلاصه شده است و ناظر به مشکلاتی مانند فرصت‌طلبی یا مشکل گرفتاری، پژوهشی انجام نگرفته است.

بدین‌سبب این پژوهش بر آن است تا با تبیین چارچوب مفهومی نظریه قرارداد ناقص و بیان تمایزها و تفاوت‌های آن با قراردادهای کامل، عوامل ایجاد نقص در قراردادها را تبیین نماید و به کاربست آن در نظام بانکداری بدون ربای ایران بپردازد. برای این منظور نشان خواهیم داد که چارچوب و ساختار قراردادهای بانکی در نظام بانکداری بدون ربای ایران دچار نقص است و این نقص در فضای قراردادی امکان فرصت‌طلبی را برای مشتریان فراهم نموده است و درنتیجه موجب شکل‌گیری مشکل گرفتاری برای بانک‌ها شده است.

قدرت چانه‌زنی طرفین (بانک و مشتری) در قراردادهای تسهیلات‌دهی در نظام بانکداری بدون ربای ایران، به نوعی تنظیم شده است که استیفای حقوق طرفین را دچار مشکل می‌کند و مشتریان می‌توانند بدون هزینه زیادی، سهم بانک از یک قرارداد تسهیلات‌دهی را به‌شدت محدود نموده و به نفع خود مصادره نمایند و یا بخش‌هایی از قرارداد را اجرا نکنند.

تا زمانی که ساختار الزام و اجرای قراردادهای بانکی کشور اصلاح نشود، بانک‌ها برای در امان ماندن از این مشکل گرفتاری و جلوگیری از فرصت‌طلبی مشتریان، به این سمت حرکت می‌کنند که به جای تسهیلات‌دهی به بنگاه‌های غریبه (ناآشنا) که امکان اجبار آنها برای عمل به قرارداد را ندارند به تسهیلات‌دهی به زیرمجموعه‌های خود و یا استفاده از منابع نظام بانکی برای بنگاه‌داری (سرمایه‌گذاری مستقیم) اقدام می‌کنند.

آنچه این پژوهش در پی آن بوده است درواقع انکار یا رد دیگر دلایل ایجاد تسهیلات معوق یا صوری‌سازی قراردادها یا دیگر مشکلات قراردادی نیست؛ بلکه نگاهی نهادی و ساختاری به این

www.SID.ir

Archive of SID

گونه مسائل در نظام بانکی و تبعات و ارائه راه‌حل‌هایی برای آن بوده است که تقریباً در هیچ‌کدام از پژوهش‌های انجام شده در مورد رابطه بانک و تسهیلات گیرنده در کشور مورد توجه قرار نگرفته است. یکی از محاسن این نگاه نهادی به مسئله تسهیلات معوق آن است که ارتباط بین متخصصات مختلف نظام بانکی کشور به‌گونه‌ای جدید تبیین می‌شود که بدون این نوع نگاه نهادی، امکان شناخت این تأثیر و تأثرات قابل تشخیص نیست و بدون شناخت این رابطه‌های (نهادی-قراردادی)، سیاست‌های اصلاحی کارآیی و اثربخشی لازم را نخواهند داشت و به نتیجه لازم نخواهند رسید.

به‌عنوان مثال، اگر نگاه سیاست‌گذار پولی و بانکی کشور این‌گونه باشد که علت تعدادی از مشکلات نظام بانکی کشور مسئله بنگاه‌داری بانک‌هاست باید بنگاه‌داری بانک‌ها در کشور کاهش یابد و یا به‌دیگرسخن بانک‌ها باید صرفاً به‌عنوان یک واسطه وجوه عمل کنند، امّا به این مسئله توجه نداشته باشند که بنگاه‌داری و مداخله مستقیم بانک‌ها در فضای بنگاه‌داری نه علت ایجاد مشکلات در نظام بانکی کشور بلکه معلول عواملی دیگر، مانند کژکارد نهادی (نقص در فضای قراردادی) است؛ در این صورت سیاست‌گذار نخواهد توانست در نهایت این مشکل را برطرف نماید و یا برای این تغییر، هزینه‌های بسیاری بر نظام بانکی کشور اعمال خواهد شد. حال آنکه با توجه به فضای قراردادهای ناقص، سیاست‌گذار باید نقص در قراردادها را نیز در زمره علل ایجاد بنگاه‌داری بانک‌ها ببیند و برای حل این مشکل نیز چاره‌اندیشی کند تا چارچوب نهادی حل مسئله مهیا شود.

در ادامه نشان خواهیم داد که فضای قراردادهای بانکی در کشور دچار نقص است و این نقص موجب ایجاد شرایط فرصت‌طلبی و مشکل گرفتاری بانک خواهد شد و سرانجام نشان خواهیم داد که مطابق این نظریه، الگوی بهینه حل این مشکلات چگونه خواهد بود.

۲. مدل مفهومی قراردادهای ناقص

بیشتر مطالعات اقتصادی در فضای بررسی قراردادهای مالی از منظر نظریه قراردادها، در چارچوب اقتصاد نئوکلاسیک انجام شده‌اند که در آنها قراردادها کامل و انسان عقلایی فرض شده است و دادگاه محل الزام قرارداد بوده است؛ درحالی‌که پیشرفت نظریات نشان داده است که این فروض معمولاً در واقعیت برقرار نیست و در فضای پیچیده و نامطمئن اقتصاد مدرن، قراردادها معمولاً ناقص هستند و این سنخ رویکردهای بدیل (قراردادهای ناقص) برای تحلیل مسائل قراردادی به واقعیت‌های اقتصاد نزدیک‌تر هستند.

www.SID.ir

Archive of SID

شوارتس (۱۹۹۸) می‌نویسد که نقص در قراردادها نشان می‌دهد که قراردادها در دنیای واقعی ممکن است کاملاً با قراردادهای کامل و قراردادهای کاملاً وابسته به وضعیت[1] که به وسیله نظریه بازارهای رقابت کامل ترسیم می‌شود متفاوت باشد. این نظریه برای سنجش اثرات ساختار نهادی بر طراحی قراردادها استفاده شده است. معمولاً دو فرض در مدل‌های پایه قراردادی (کامل) مد نظر قرار می‌گیرد (درخشان، ۱۳۹۵، ص۲۹):

فرض اول: امضای طرفین قرارداد مستقل از فرایند چانه‌زنی صورت می‌گیرد؛ البته در واقعیت مشاهده می‌شود که در بیشتر قراردادها ابتدا مذاکره‌هایی صورت می‌گیرد و نتیجه مذاکره نیز به مهارت‌های مذاکره و قدرت طرفین بستگی خواهد داشت. چنین فرضی برای فرار از پیچیدگی‌های بازی چانه‌زنی و برای شروع مدل‌سازی عقلایی خواهد بود؛

فرض دوم: وجود یک دادگاه صالح برای تأمین ضمانت اجرایی قراردادها: اگر نهاد اجرایی و تضمین‌کننده که طرفین قرارداد و مبادله را مجبور به اجرای تعهد خود کند وجود نداشته نباشد، هر دو طرف از مبادله و قرارداد سر باز خواهند زد؛ زیرا امکان نکول طرف مقابل پس از امضای قرارداد وجود دارد. معمولاً برای فرار از پیچیدگی، در مدل‌های پایه فرض می‌شود که چنین نهادی وجود دارد.

امکان نقض هر دو این فروض در واقعیت اقتصاد وجود دارد. اگر نقص در قرارداد به علت عدم وجود دادگاه صالح باشد و یا توان دادگاه در ایجاد ضمانت اجرایی محدود باشد (زمانی که نوشتن و تنظیم قرارداد و همچنین تشخیص حالت بهینه قرارداد برای طرفین قرارداد امکان‌پذیر نباشد یا فراهم کردن آنها هزینه مبادله داشته باشد) و همچنین زمانی که یکی از طرفین قدرت چانه‌زنی[2] (مانند تسهیلات تکلیفی یا تسهیلات دستوری) بیشتری داشته باشد فرض دوم مدل‌های پایه قراردادی نقض می‌شود.

با نقض این دو فرض وارد حوزه قرارداد ناقص می‌شویم که در این شرایط امکان کسب منفعت بیشتر از قرارداد، برای یک طرف فراهم می‌شود و موجب تحمیل هزینه‌هایی به طرف دیگر می‌شود. بنابراین، فرد متضرر باید سپرهایی طراحی کند تا از رفتارهای نامطلوب طرف دیگر در امان بماند؛ ازاین‌رو نگارش قرارداد، بر مبنای متغیرهای غیر قابل اطمینان (وجود دادگاه صالح برای اعمال

1. fully state–contingent contract.

۲. قدرت چانه‌زنی به توانایی‌ای می‌گویند که فرد یا بنگاه می‌تواند نظر خود را در قرارداد اعمال نموده و به طرف مقابل تحمیل کند. یکی از عوامل تعیین‌کننده قدرت چانه‌زنی حمایت سیاسی است که تسهیلات تکلیفی و یا تسهیلات دستوری (تسهیلاتی است که به واسطه فشارهای به عمل آمده از سوی برخی مسئولین، بانک‌ها بدون توجه به نوع وثیقه یا تضمین، مجبور به پرداخت چنین تسهیلات می‌شوند (عزیزنژاد، ۱۳۹۳، ص۲۷) می‌تواند یکی از نمونه‌های این حمایت بیشتر قانون و سیاست از یکی از طرفین قرارداد باشد.

www.SID.ir

Archive of SID

قرارداد و...) بی‌فایده است و باید برای دستیابی بـه همـاهنگی کارآمـد از ابزارهـای دیگـر اسـتفاده نمود؛ ازاین‌رو در رویکرد قراردادهای ناقص، اقدام اصلی ناظر به متوازن‌سازی نفع‌بری ذی‌نفعان از قرارداد در شرایط نقص قراردادی و استفاده از راه‌حل‌هایی مانند «اجبار درونی»[۱] است.[۲]

تبیین عوامل ایجاد قرارداد ناقص

معمولاً متون اقتصادی دلایل متفاوتی برای وجود نقص در قراردادها بیان می‌کنند که البته هـرکـدام برآمده از یک‌سری پژوهش‌ها در این زمینه‌اند. با بررسی تک تک این عوامـل در ایـن بخـش نشـان خواهیم داد که می‌توان رد پای عوامل ایجاد نقص در قرارداد را در فضای قراردادهای بـانکی کشـور مشاهده نمود و می‌توان قائل به این مسئله بود که تحلیل فضای رابطه تسهیلات‌گیرنده و تسـهیلات دهنده در بانکداری بدون ربای ایران باید براساس چارچوب قراردادهای ناقص باشد:

الف. اثبات ناپذیری قرارداد

نخستین مورد نقص قرارداد، به هزینه اِعمال[۳] و اجرای قرارداد برمی‌گردد و ذیل رویکـرد جدیـد بـه حقوق مالکیت و یا نظریه GHM[۴] پیگیری می‌شـود (گروسـمن و هـارت، ۱۹۸۶؛ هـارت و مـور، ۱۹۹۰). بر مبنای این رویکرد، قراردادها ناقص‌اند به این دلیل که بعضی از ابعاد مبادله کـه توسـط طرفین مبادله قابل مشاهده است امّا این ابعاد توسط طرف سوم (دادگاه یا...) برای اِعمـال قـرارداد، قابل تأیید و مشاهده نیست.

به‌دیگرسخن، منشأ ایجاد نقص در قرارداد برآمده از عدم تقارن اطلاعات بین طـرفین قـرارداد و طرف سوم بیرون از قرارداد (دادگاه یا...) در مسئله اِعمال و اجـرای قـرارداد اسـت. ایـن تعریـف از قراردادهای ناقص، نقص را برآمده از یک عامل بیرونی (بیرون از قرارداد) می‌داند که درواقع نقـص در محیط نهادی و حقوقی قرارداد است که در آن دادگاه امکان اجرای مفاد قرارداد و اثبـات تخلـف یکی از طرفین از مفاد قرارداد را ندارد.

ممکن است یک طرف قرارداد روزنه و یا خلأیی در شرایط قراردادی مشاهده کند که به او اجازه دهد به تعهدات قراردادی به شیوه‌ای غیر از آنچه در زمان امضای قرارداد، مقصود طرفین بود، عمل

---

۱. یعنی خود طرفین با تشکیل نیروهایی طرف دیگر را مجبور به اجرای قرارداد می‌کنند.

۲. براساس اندیشه نهادگرایان (ویلیامسون، ۱۹۹۶) ناگزیر همه قراردادها ناقص‌اند و این مسئله در مـورد قراردادهـای مـالی و بانکی نیز بیشتر مصداق می‌یابد.

3. enforcement costs.

4. Grossman, Hart, Moor.

www.SID.ir

Archive of SID

کند. معمولاً دادگاه نمی‌تواند اجرای همه تعهدات قراردادی را اثبات کند؛ زیرا فعل یا ترک فعل، درخصوص بسیاری از تعهدات برایش به راحتی قابل احراز و اثبات‌پذیر نیست. وقتی یک طرف می‌تواند از مسئله اثبات‌ناپذیری استفاده کند، قراردادی که برای سرمایه‌گذاری جهت افزایش کارایی نگاشته شده است به یک موقعیت فرصت‌طلبی پرهزینه تبدیل می‌شود (کاساس آرس و کیتستینر، ۲۰۰۹).

مواردی از خلأها، نقص‌های قانون یا عدم قدرت بر اجرای قرارداد را می‌توان در قانون عملیات بانکی بدون ربای کشور ذکر نمود؛ از جمله این‌گونه نقص‌ها را می‌توان در مسئله مطالبات معوق مشاهده نمود. مهم‌ترین چالشی که نظام بانکی کشور درباره وصول مطالبات غیر جاری با آن روبه‌رو است، سکوت کامل قانون عملیات بانکی بدون ربا در این‌باره است. (موسویان و غلامی، ۱۳۹۲، ص۱۱۱). در حقیقت بررسی بخش‌های گوناگون این قانون نشان می‌دهد با وجود اهمیت این مسئله و ابعاد بسیار مهمی که می‌تواند پیدا کند، امّا قانون در این‌باره هیچ جهت‌گیری ندارد.

یکی دیگر از جلوه‌های عدم توان بر اجرا و اعمال قراردادها، در محاکم قضایی را می‌توان در تراکم پرونده‌های وصول بدهی بانک‌ها از طرق قانونی مشاهده نمود. اگرچه ماده ۱۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا به‌منظور اعتبار به مفاد قراردادهای داخلی بانک‌ها و کوتاهی‌بخشی از این روند، قراردادهای اعطای تسهیلات را با شرایطی در حکم اسناد رسمی قلمداد و امکان درخواست صدور اجراییه نسبت به آنها را از طریق دوایر اجرای ثبت برقرار کرده است، باوجوداین از آنجایی که ضوابط آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد لازم‌الاجرای تشریفات و گذشت مهلت‌های قانونی را در جریان پیگیری پرونده اجرایی ضروری دانسته است، در عمل تسویه بدهی از این طریق در بسیاری از موارد ماه‌ها و بلکه سال‌ها طول می‌کشد.

افزون‌بر این نظام وثیقه‌گذاری برای تسهیلات بانکی نیز از مشکلات عدیده‌ای از جمله فرایند طولانی اقدامات قانونی، ارزیابی نادقیق وثایق (قیمت و کیفیت)، وثایق خارج از عقد، عدم وجود بانک اطلاعات وثایق در بانک‌ها و عدم توجه به استعلامات از مراجع مرتبط اشاره نمود که باعث می‌شود در بسیاری از موارد مسئولان بانکی در دسترسی به وثایق بدهکار، توفیق نمی‌یابند. نتایج مطرح شده در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس (عزیزنژاد، ۱۳۹۳) نشان می‌دهد که وثایق ملکی که به‌عنوان بهترین نوع از وثایق (نزد بانک‌ها) شناخته می‌شود تنها توانسته است ۴۱ درصد مطالبات غیر جاری کلان بانک را وصول نماید و این آمار در مورد دیگر وثایق بانکی بسیار کمتر از این است.

www.SID.ir

Archive of SID

از جمله دیگر مثال‌ها در مورد خلأهای قانونی در این زمینه مربوط به مسئله تظاهر به ورشکستگی توسط دریافت‌کننده تسهیلات برای فرار از ادای دین براساس قوانین کشور (رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور) است که تاجر ورشکسته از تاریخ توقف ملزم به پرداخت هیچ‌گونه خسارت تأخیر تأدیه نیست؛ ازاین‌رو برخی از تسهیلات گیرندگان بدهکار به شبکه بانکی کشور با سوءاستفاده از این مزیت قانونی، اقدام به عقب بردن تاریخ توقف می‌نمایند. این تقلب برای اشخاص بدهکار، با دشواری چندانی مواجه نیست؛ زیرا ابراز سندی دال بر وجود دین و عدم پرداخت آن در هر تاریخی، برای نیل به این مقصد کافی است. این مسئله در سال‌های اخیر رواج زیادی داشته و مشکلات زیادی را در وصول مطالبات بانکی ایجاد کرده است که ناشی از نوعی کژمنشی در رابطه بنگاه با بانک است (شهبازی، ۱۳۹۵، ص۲۸).

افزون‌بر تظاهر به ورشکستگی، مشتریان ممکن است بانک را تهدید کنند که در صورت اعمال فشار روی بدهکار برای بازپرداخت تسهیلات، اعلام ورشکستگی خواهند کرد که در این صورت به واسطه اینکه دارایی شرکت کمتر از میزان بدهی است، بانک مسلما متضرر خواهد شد (عزیزنژاد، ۱۳۹۳، ص۲۱). در این شرایط قدرت چانه‌زنی مشتری بیشتر از بانک است و به واقع جای بدهکار و طلبکار عوض می‌شود. در این شرایط بانک‌ها نیز برای پرهیز از این مشکل مجبور به مذاکره و تن دادن به شرایط پرداخت بدهکار می‌شوند و شرایط فرصت‌طلبی برای مشتریان کاملاً فراهم است.

این شواهد ارائه شده از ساختار حقوقی، قضایی، مقررات و قوانین حاکم بر بانکداری کشور و مواردی دیگر ازاین‌دست، نشان می‌دهد که عملیات بانکداری در کشورمان ریسک بالایی در زمینه تسهیلات و بازپرداخت آن دارد و شرایط فرصت‌طلبی مشتریان در قراردادهای تسهیلات‌گیری فراهم است همان‌طورکه محاکم قضایی ایران پر از پرونده‌های چندین ساله‌ای است که بانک‌ها و مؤسسات مالی موفق به وصول مطالبات خود نشده‌اند و همچنان در حال پیگیری است. این معضل ریشه در ضعف سازوکارهای نهادی حقوقی، حاکم بر ساختار محیط انجام عملیات بانکی و همچنین چارچوب قراردادهای بانکی در کشور دارد.

ب. هزینه مبادله

عامل دوم که می‌تواند مؤید نقص در قراردادها باشد و توسط نهادگرایان جدید بیان شده است، برآمده از هزینه مبادله ناشی از عدم اطمینان در مورد رویدادهای آینده است. در شرایطی که هزینه مبادله زیاد است طرفین تشویق می‌شوند که قرارداد را به صورت ناقص منعقد کنند. این هزینه‌ها شامل هزینه فکر کردن به تمام حالات ممکن، مذاکره روی تمام حالات، هزینه نوشتن تمام آنها

www.SID.ir

Archive of SID

براساس ادبیات حقوقی به‌گونه‌ای است که برای دادگاه قابل‌اثبات باشد (هارت، ۱۹۹۵، ص۲۳). در تعریفی دیگر، هزینه مبادله، مشتمل بر چهار نوع است:

- هزینه پیش‌بینی تمام حالت‌های آینده که ممکن است در دوره قرارداد اتفاق بیفتند؛
- هزینه مذاکرات برای دستیابی به توافقاتی در مورد دوران مناسب عمل طرفین در قرارداد؛
- هزینه توصیف پیشینی (ویژگی‌های آنچه قرار است مبادله شود و یا میزان تلاش هر طرف قرارداد در شرایط احتمالی مشخص) در قرارداد؛
- هزینه اعمال قرارداد (ویلیامسون، ۱۹۸۵ و هارت، ۲۰۰۸).

ازآنجاکه تعهدات، نامحدود و مشخص‌اند، سازوکار حل منازعات توسط مقامات بیرونی کارایی لازم را ندارد. این شرایط احتمال فرصت‌طلبی را افزایش می‌دهد. در این راستا نظریه هزینه مبادله بر سازوکارهای خصوصی و درونی برای حل منازعات مانند تنظیم و به‌کارگیری هزینه‌های شکست توافق (استفاده از سپرده‌های ایمنی یا همان وثیقه یا سرمایه‌گذاری برگشت‌پذیر)[1] و طولانی کردن مدت‌زمان تعهد[2] (دوره تعامل طولانی‌مدت) تأکید می‌کند (اشمیت، ۲۰۱۰).

هزینه‌های مبادله در بازارهای اعتباری برای مؤسسات تأمین‌کننده اعتبار از اهمیت خاصی برخوردارند؛ زیرا این هزینه‌ها تأثیر مستقیم بر میزان کارآمدی عملکرد یک موسسه مالی دارند. همچنین، تأثیر منفی بر حجم وجوه تسهیلات جاری در نظام اقتصادی دارند. مطالعات نشان می‌دهد هزینه‌های مبادله در بازار اعتباری در کشورهای در حال توسعه بالاست و این امر باعث کاهش کارایی مؤسسات اعتباری بازار مالی می‌شود.

پژوهش‌های تجربی در سنجش هزینه مبادله در نظام بانکی کشور نیز نشان‌دهنده هزینه مبادله بالای پرداخت تسهیلات است. به‌عنوان مثال، مسعودی‌پور (۱۳۹۰) با ارزیابی هزینه مبادله بازار مالی رسمی بخش کشاورزی نشان می‌دهد که هزینه مبادله در بازارهای مالی رسمی کشور بسیار بالاست. همچنین، وی ثابت می‌کند که نسبت هزینه مبادله به مبلغ وام دریافتی و نرخ بهره کل برای دریافت‌کنندگان تسهیلات سلف نسبت به دیگر عقود بالاتر می‌باشد. میزان هزینه مبادله برای تسهیلات پرداخت شده به صورت قرض‌الحسنه کمترین مقدار و نسبت هزینه مبادله به مبلغ وام برای تسهیلات جعاله کمترین مقدار می‌باشد؛ ازاین‌رو می‌توان نتیجه گرفت که نوع قرارداد نیز تأثیر مهمی بر هزینه‌های تحمیل شده در جریان پرداخت تسهیلات دارد. این نتایج توسط نعمتی و عرب مازار (۱۳۹۶) و احمدی و دریجانی (۱۳۹۱) نیز تأیید شده است. احمدی و دریجانی نشان

1. Irreversible investments.
2. Length of the commitment.

www.SID.ir

Archive of SID

داده‌اند که هزینه مبادله وام‌گیری برای هـر فقـره تسـهیلات دریـافتی از سـوی کشـاورزان در اسـتان گلستان بسیار زیاد است و این هزینه‌ها به افزایش نرخ سود واقعی وام منجر می‌شود و نتیجـه آن بـه صورت کارآیی پایین موسسهٔ وام‌دهنده بروز می‌کند. نادران و نصیری اقـدم (۱۳۸۵)/ هزینـه تـأمین مالی بنگاه‌های صنعتی کوچک را بسیار زیاد برآورد کرده‌اند که برآمده از عدم وجود بازارهای مـالی کارآمد متناسب با اندازه بنگاه است. همچنین، حسینی و همکاران (۱۳۸۴) در نتایج مطالعه خـود به هزینه مبادله بالا در دو بخش تسهیلات‌گیری و تسهیلات‌دهی نظام بانکی کشور دست یافتند.

ج. ابهام در قرارداد

گاه در بخش‌هایی از قرارداد می‌تـوان مفـاهیم و معـانی متعـددی را برداشـت کـرد. در ایـن مـوارد نمی‌توان به قصد طرفین هنگام انعقاد قرارداد پی برد. زبـان قـرارداد بسـتر ابهـام را فـراهم می‌کنـد. انتخاب کلمات و عبارات در قرارداد از این حیـث اهمیـت بسـیار زیـادی دارد. شـاید بتـوان گفـت مهم‌ترین وظیفه بخش تعاریف در قراردادها رفع این ابهامات باشد (اخوان، ۱۳۹۳، ص۱۶). دادگاه کالیفرنیا ابهام را به دو دسته آشکار تقسیم می‌کند که در ظاهر قرارداد مشاهده می‌شود و ابهام پنهان که براساس شواهد خارجی است. ابهام قراردادی از هر نوعی که باشد طرفین تا زمانی که اخـتلاف نظری بروز نکند به خلأهای موجود در قرارداد توجه چندانی نمی‌کنند. ابهام ممکن است در معنـا، در دستور زبان یا مفهوم عبارت باشد. بنا به نظر مفسران معمولاً ابهام دستور زبـانی رایج‌تـرین نـوع ابهام در متون حقوقی است (توربرت، ۲۰۱۴، ص۹). ابهام ممکن است عمدی یـا سـهوی باشـد؛ البته تشخیص عمدی یا سهوی بودن ابهام کار بسیار دشواری است.

می‌توان شواهدی از ابهام در قراردادهای رایج در نظام بانکداری بدون ربای کشور یافت. قلـیچ (۱۳۹۵) می‌نویسد که قراردادهای مشارکت مدنی بانکی در مواردی از واژگان مبهم و ناآشـنا بـرای گیرندگان تسهیلات استفاده نموده است. نتیجه به‌کارگیری این اصطلاحات، ابهام و نفهمیـدن مفـاد قرارداد است. رعایت قاعده شفافیت، مستلزم تعریـف و توضـیح کـافی اصـطلاحات تخصصـی و دوپهلو قرارداد برای مشتریان بانک است. وجود عباراتی مانند عقد خارج لازم (ماده ۶ و ۱۳ و ۱۶ و ۲۴)، عندالاقتضاء (ماده ۷)، تبرعاً (ماده ۷ و ۱۱)، حصه (ماده ۱۳)، وجه التـزام تـأخیر تأدیـه دیـن (ماده ۱۳ و ۱۶)، متضامناً (ماده ۱۵)، از هر طریق (ماده ۱۹)، مستحدثات (ماده ۲۳) نمونه‌هایی از اصطلاحاتی است که نیازمند توضیح بیشتر برای مشـتریان اسـت و مـی‌توانـد موجـب کژتـابی یـا موجب برداشت‌های متفاوت توسط طرفین قرارداد شـود. افـزون‌بـر ایـن مـوارد درون قـراردادی در ساختار تیپ‌های قراردادی نیز ابهام وجود دارد؛ همان‌طورکه سعدی و اکبـری (۱۳۹۶) می‌نویسـند

www.SID.ir

Archive of SID

که تیپ قرارداد اجاره به شرط تملیک، با ابهام نوع شرط مندرج در قرارداد اجاره به شرط تملیک و مبهم بودن نوع شرط فعل تملیک، روبه‌رو است.

د. پیچیدگی

هرچه پیچیدگی فعالیتی بیشتر می‌شود، تعداد حالاتی که باید در قرارداد ذکر شود افزایش می‌یابد؛ ازاین‌رو هزینه نوشتن قرارداد را بیشتر می‌کند؛ بنابراین احتمال بروز نقص بیشتر می‌شود. قراردادها در چارچوب قانون بانکداری بدون ربا، به جهت مشتمل بودن بر انواع فعالیت‌های گوناگون بانکی در جانب تخصیص و تجهیز منابع، پیچیدگی خاصی دارد. این در حالی است که در بانکداری ربوی بیشتر فعالیت‌ها در قالب قرض ربوی است و انجام آن به وسیله بانک به سهولت انجام می‌گیرد.

نکته دارای اهمیت، توجه سپرده‌گذاران و دریافت‌کنندگان به بندهای مندرج در قرارداد و مفاهیم آنهاست؛ زیرا انواع قراردادها متعدد است و گاه در یک قرارداد، تلفیقی از چند نوع معامله وجود دارد که آشنایی با سازوکار بانکداری بدون ربا را پیچیده کرده است. استفاده‌کنندگان از تسهیلات مالی بانک‌ها باید با مفاهیم قراردادها و چارچوب استفاده از آنها آشنا باشند؛ زیرا اگر اعتبارات پرداخت‌شده را در غیر مورد قرارداد مصرف کنند، مشکلات حقوقی و شرعی را در پی خواهد داشت و گاه به بطلان قرارداد و حرمت سود حاصل از معامله باطل می‌انجامد.

یکی از مهم‌ترین پیچیدگی‌های فضای قراردادهای تسهیلات‌دهی در نظام بانکی کشور مسئله جریمه تأخیر تأدیه است که افزون‌بر مجادلات نظری و فقهی مختلف، تبعات اجرایی و عملیاتی بسیاری نیز برای نظام بانکی کشور به همراه داشته است. از طرفی شبهه ربوی بودن مانع اجرایی شدن این جریمه تأخیر می‌شد و از طرفی دیگر عدم اجرایی شدن آن، ریسک تسهیلات‌دهی بانک ها را افزایش می‌دهد و بر انباشت مطالبات معوق اثرگذار بود.[۱]

افزون‌بر این پیچیدگی‌های درون قراردادی نیز در قراردادهای تسهیلات‌دهی مشاهده می‌شود همان‌طورکه مطابق یکی از تحقیقات فقط ۲۹/۷ درصد از مراجعان و ۵۵/۸ درصد از کارمندان بانک، آشنایی اجمالی با عملیات بانکی بدون ربا دارند (مصباحی، ۱۳۸۳، ص۱۰۳). پیچیده بودن فهم عملیات بانکی افزون بر اینکه هزینه آموزش و هزینه عملیات را افزایش می‌دهد، باعث

۱. یکی از چالش‌های قراردادی که موجب تشدید مطالبات معوق شده بود، عدم اجرای جریمه تأخیر تأدیه در قراردادهای بانکی بود (که البته هم اکنون با تأیید شورای نگهبان اجرایی شده است)؛ امّا این نقص قراردادی، شرایط برای فرصت طلبی مشتریان را بسیار افزایش داده بود که باعث شده بود مشتریان بزرگ بانک‌ها، انگیزه‌ای برای پرداخت به موقع بدهی نداشته باشند.

www.SID.ir

Archive of SID

ناراحتی مشتریان و صوری شدن معاملات می‌شود؛ به‌طوری‌که مشتری بدون فهم و قصد جدی معامله، قرارداد مکتوب را امضا و تسهیلات را دریافت می‌کند.

ه. نا اطمینانی

نااطمینانی به سه دسته تقسیم می‌شود: نااطمینانی اولیه ماهیت تصادفی دارد، افراد همواره با تصمیم‌هایی برای تخصیص منابع محدود به سرمایه‌گذاری‌هایی روبه‌رو هستند که ریسک‌های قابل توجه دارند. این نااطمینانی وابسته به واقعیت فضای اقتصاد است و از اراده و کنترل فرد خارج است و به نوعی نااطمینانی بیرون از فضای قرارداد است.

نااطمینانی ثانویه، ناشی از نبود ارتباطاتی است که یکی از طرفین راهی برای دانستن تصمیم که دیگری برای طرح دیگری دنبال می‌کند ندارد. با افزایش اطلاعات، این نااطمینانی‌ها کاهش می‌یابد. این دو نوع نااطمینانی غیر استراتژیک و غیرعمدی هستند؛ امّا نوع سومی از نااطمینانی وجود دارد که نااطمینانی رفتاری است که ناشی از عدم افشا، انحراف با اخلال اطلاعات است. این نوع نا اطمینانی ناگزیر در وابستگی دوطرفه طرفین وجود دارد (ویلیامسون، ۱۹۹۶، ص۶۰).

انحراف و اخلال اطلاعات در نظام بانکی کشور را می‌توان در مسئله صوری‌سازی قراردادها در بانک‌ها مشاهده نمود. به‌کارگیری تسهیلات پرداختی در غیر محل مشخص شده در قرارداد یکی از انواع صوری‌سازی است؛ به‌عنوان مثال بانک‌ها با استفاده از عقد جعاله جهت تعمیر مسکن، تسهیلاتی به مشتریان پرداخت می‌کنند بدون اینکه گیرنده پول صاحب مسکن باشد و یا مسکن او نیاز به تعمیر داشته باشد و پول آن برای مقاصد دیگری استفاده می‌شود؛ از جمله دیگر صوری سازی‌ها می‌توان به ارائه فاکتور فروش ساختگی اشاره نمود که معمولاً برای دریافت تسهیلات فروش اقساطی استفاده می‌شود. این موارد همگی برآمده از تحریف اطلاعات و عدم افشای واقعیت محل استفاده تسهیلات به واسطه عدم تقارن اطلاعات بین مشتری و بانک است.

برآیند عوامل ایجادکننده نقص در قراردادها و نشانه‌های آن در فضای قراردادهای بانکی کشور نشان می‌دهد که فضای قراردادها در نظام بانکی از جنبه‌های مختلف دچار نقص در قرارداد است؛ البته این مسئله برآمده از طبیعت معاملات و قراردادهای فضای مالی است؛ همان‌طورکه آگیون و بولتون (۱۹۹۲) می‌نویسند که گام نخست ادبیات قراردادهای ناقص در حوزه قراردادهای مالی تأکید بر این نکته است که ذاتاً تمام قراردادهای مالی ناقص‌اند. ناقص‌انگاری فضای قراردادهای بانکی، صورت‌بندی متفاوتی از مشکلات موجود در زمینه نظام حقوقی قراردادهای بانکی ارائه می دهد و درنتیجه راه‌حل‌های متفاوتی نیز دربر خواهد داشت. در ادامه مهم‌ترین مسئله در قراردادهای

www.SID.ir

Archive of SID

ناقص یعنی مشکل گرفتاری و مسئله فرصت‌طلبی در قرارداد تبیین شده و نشانه‌های آن در فضای قراردادهای بانکی نمایان خواهد شد و بر این اساس سعی خواهد شد تا چارچوب قراردادی بهینه برای دوری از این مشکل در فضای بانکداری بدون ربای ایران تبیین شود.

۳. تبعات نقص در قراردادهای بانکی و مالی

هنگامی که قراردادها ناقص است و با این فرض که افراد به دنبال نفع شخصی خود هستند امکان کسب منفعت بیشتر از قرارداد برای یک طرف فراهم می‌شود؛ به‌دیگرسخن، زمانی که ناقص بودن قرارداد با شرایط فرصت‌طلبی همراه شود، مشکلاتی تحمیل می‌کند که خود را به شکل انتخاب بد، مخاطرات اخلاقی، طفره رفتن از کار، تعقیب جزئی از اهداف و دیگر رفتارهای راهبردی نشان می‌دهد (ویلیامسون، ۱۹۸۵، ص۱۵). بنابراین طرف دیگر قرارداد باید سپرهایی حفاظتی طراحی کند تا از تغییرات رفتارهای نامطلوب طرف دیگر در امان بماند. هرچه قرارداد پیچیده‌تر می‌شود، نیاز به این‌گونه سپرهای حفاظتی شدیدتر می‌شود. در این چارچوب تحلیلی مبادلات با هم از چند جنبه تفاوت دارند:

- درجه‌ای درگیری دارایی اختصاصی هرکدام از طرفین در قرارداد؛
- میزان نااطمینانی نسبت به رفتار آینده طرف دیگر؛
- پیچیدگی نظم تجاری؛
- تعداد دفعات تکرار مبادله.

در ادامه ابتدا ابعاد مشکل گرفتاری بیان شده و سپس سعی می‌شود مشکل گرفتاری به وجود آمده برای نظام بانکی ایران در مسئله مطالبات معوق و راهکارهای این نظریه برای کاهش این نقص در قراردادها تبیین شود.

۳-۱. مشکل گرفتاری در قراردادهای ناقص

مشکل گرفتاری شرایطی است که ممکن است طرفین معامله با همکاری به صورت کارآمدتر کار کنند؛ امّا چون می‌ترسند که قدرت چانه‌زنی طرف مقابل افزایش یابد و درنتیجه سود فرد کاهش یابد، از انجام این کار دوری می‌کنند. مشکل گرفتاری موجب هزینه‌های شدید اقتصادی و همچنین موجب سرمایه‌گذاری پایین می‌شود. این مشکل هنگامی به وجود می‌آید که دو عامل وجود داشته باشد:

۱. طرفینی که قرار است در آینده با یکدیگر معامله‌ای داشته باشند قبلاً با یکدیگر روابط سرمایه‌گذاری داشته‌اند که در چارچوب قراردادها وارد نشده باشد؛

www.SID.ir

Archive of SID

۲. شکل خاصی و بهینه‌ای از معاملات و تبادلات (مانند ویژگی‌های کیفی، زمان تحویل، مقدار تحویل) را نتوان با اطمینان از قبل مشخص نمود.

الیور هارت (۲۰۱۷) با تمثیلی به بیان مشکل گرفتاری اشاره می‌کند: اگر یک نیروگاه برق به زغال‌سنگ خالص احتیاج داشته باشد؛ امّا تعیین پیشینی خلوص با توجه به انواع ناخالصی‌های متفاوتی که وجود دارد، بسیار سخت و مشکل است. فرض کنید که قراردادی ۱۰ ساله بین نیروگاه برق و معدن زغال سنگ منعقد شود. خاکستر یکی از ناخالصی‌هاست و سوخت زغال‌سنگ‌های دارای خاکستر زیاد، بسیار برای نیروگاه گران‌تر از زغال‌سنگ‌های کم خاکستر است حال آنکه تولید زغال‌سنگ پر خاکستر برای معدن بسیار ارزان‌تر است. با توجه به ناقص بودن قرارداد، معدن زغال‌سنگ ممکن است طبق قرارداد، عرضه زغال‌سنگ با خاکستر زیاد را حق خود بداند.

البته نیروگاه و معدن زغال‌سنگ می‌توانند مذاکرات مجددی در مورد قرارداد داشته باشند. باوجوداین، معدن زغال‌سنگ از قدرت چانه‌زنی بالاتری برخوردار است؛ زیرا می‌تواند تقاضای قیمت بالایی به ازای تغییر به زغال‌سنگ کم خاکستر نماید. دلیل آن هم برمی‌گردد به اینکه نیروگاه جایگزین مناسبی برای معدن ندارد و انتقال زغال‌سنگ از دیگر معادن برای نیروگاه بسیار گران تمام خواهد شد. اقتصاددانان این شرایط را مشکل گرفتاری می‌نامند که معدن زغال‌سنگ می‌تواند نیروگاه را گرفتار کند به این دلیل که نیروگاه برق، از منظر موقعیت مکانی به معدن زغال‌سنگ وابسته شده است.

از منظر ویلیامسون (۱۹۹۶) مشکل گرفتاری در قراردادهای مالی (به‌ویژه قراردادهای بزرگ و بلندمدت که دارای پیچیدگی‌هایی نیز هستند) می‌تواند بروز نماید. در این شرایط با توجه به اینکه قراردادها تمام حالات و احتمالات آینده را در خود ندیده‌اند امکان فرصت‌طلبی برای افراد بسیار فراهم می‌شود. وقتی فرصت‌طلبی وجود دارد نمی‌توان «قرارداد را به منزله پیمان لازم‌الوفا» در نظر گرفت و منتظر وفای به عهد طرف دیگر قرارداد ماند.

۳-۲. مشکل گرفتاری و فرصت‌طلبی در نظام بانکی ایران

در اقتصاد ایران نیز با توجه به وجود عوامل ایجاد نقص در قرارداد مانند عدم اثبات‌پذیری قراردادها، ابهام در قرارداد، هزینه مبادله، پیچیدگی و نااطمینانی زیاد در قراردادهای تسهیلات‌دهی بانک‌ها، درعمل بیشتر قراردادهای بانکی ناقص هستند و به گرفتاری بانک در قراردادهای غیر قابل اثبات منجر می‌شود و موجب بروز رفتار فرصت‌طلبانه توسط مشتریان (تسهیلات‌گیرندگان) می‌شود.

www.SID.ir

Archive of SID

شرایط موجود در قراردادهای پرداخت تسهیلات بانکی کشور نشان از گرفتار شدن بانک‌ها در این قراردادها توسط مشتریان می‌نماید. از طرفی تسهیلات‌گیرندگان به این نکته واقف‌اند که بانک قدرت اجرایی و اثباتی چندانی برای الزام آنها به وظایف و تعهدات ندارد و از طرف دیگر بانک با اینکه می‌داند امکان فرصت‌طلبی مشتریان وجود دارد، امّا امکان غربالگری بین مشتریان خود را به‌خوبی ندارد. تجمیع این دو مسئله باعث می‌شود که اهرم چانه‌زنی و قدرت مشتریان در مقابل بانک، پس از دریافت تسهیلات بسیار افزایش یابد که نتیجه آن ایجاد مسائل مختلفی می‌شود که در اینجا به ذکر چند نمونه مهم آن خواهیم پرداخت.

الف. انحراف در تسهیلات بانکی و صوری‌سازی قراردادها

حجم بالای انحراف تسهیلات بانکی نسبت به موضوع قرارداد، که هم در سطح تسهیلات خرد و هم در سطح تسهیلات کلان انجام می‌گیرد، خود نشان از نگاه فرصت‌طلبانه مشتریان است که برآمده از ضعف نظام حقوقی قراردادها، در کشور است.

مسئله صوری‌سازی قراردادهای بانکی که یکی از مشکلات کنونی بانکداری بدون رباست، ناشی از عدم قدرت بانک بر ایجاد انطباق بین رفتار و فعل تسهیلات‌گیرنده با متن قرارداد نگاشته شده دارد. برخی از مصادیق آن این نوع رفتار فرصت‌طلبی از این قرار است (حقیقی، ۱۳۹۱):

– به‌کارگیری تسهیلات پرداختی در غیر محل مشخص شده در قرارداد (مانند استفاده از تسهیلات مبتنی بر عقد جعاله تعمیر مسکن برای خرید مسکن)؛

– قیمت‌گذاری تسهیلات براساس سود مد نظر و نه براساس قیمت واقعی (مانند تعیین قیمت مسکن در عقد فروش اقساطی مسکن براساس سود محاسبه شده بانک و نه قیمت واقعی مسکن، البته دراین‌باره اختلاف نظر وجود دارد)؛

– ارائه فاکتور فروش ساختگی برای دریافت تسهیلات فروش اقساطی؛

– تعیین مدت بازپرداخت تسهیلات بدون در نظر گرفتن سررسید واقعی عقد مربوطه؛

– یکسان در نظر گرفتن نسبت سود بانک و عامل در قرارداد مضاربه برای تمامی پرونده‌ها (در این مورد اختلاف نظر وجود دارد)؛

– بازپرداخت تسهیلات از محل دریافت تسهیلات جدید از بانک.

www.SID.ir

Archive of SID

ب. مطالبات معوق و غیرجاری

از جمله مهم‌ترین فرصت‌طلبی‌های موجود در ساختار قراردادهای بانکی ایران مسئله نپرداختن و تعویق پرداخت تسهیلات به بانک است که اگرچه عوامل مختلفی (اقتصادی و غیراقتصادی) در شکل‌گیری آن دخیل‌اند، امّا فضای نهادی و قراردادی نیز در ایجاد شرایط فرصت‌طلبی و نکول تأثیر بسیاری دارد.

یکی از چالش‌های مهمی که در شیوه رویارویی نظام بانکی کشور با مطالبه‌های غیرجاری وجود دارد، تفکیک نکردن بین مشتریان بدحساب است (در حال حاضر به علت سکوت قانون عملیات بانکی بدون ربا بانک‌های کشور الزام قانونی درباره بررسی مطالبه‌های معوق و تفکیک بین مشتریان بدحساب ندارند)؛ یکی از انواع مشتریان بدحساب در شبکه بانکی کشور، سوءاستفاده کنندگان (فرصت‌طلبان) از تسهیلات بانکی هستند که حداقل ۳۰ درصد از مطالبات معوق متعلق به این افراد است. این بخش از بدهکاران، از ابتدا با ارائه فعالیت‌های در ظاهر موجه و مورد حمایت دولت یا برای مقاصد دیگر، موفق به دریافت تسهیلات شده‌اند با اینکه مدیر و مالک یک بنگاه اقتصادی، با وجود سرمایه‌گذاری تسهیلات در فعالیت مربوطه و داشتن توجیه اقتصادی، مشاهده می‌کند که با تأخیر در پرداخت بدهی، سرمایه نقدی بدون هزینه یا کم‌هزینه‌ای در اختیارش قرار می‌گیرد که می‌تواند با استفاده از آن معامله‌های سودآوری داشته باشد (مداحی، ۱۳۸۹، ص۳۷).

وجود فرصت‌طلبی در مطالبات معوق در پژوهش‌های مختلف مورد تأکید قرار گرفته است (بهاروند و همکاران، ۱۳۹۵). عوامل ایجاد مطالبات غیرجاری شبکه بانکی را به سه دسته عوامل زمینه‌ای، مداخله‌گر و عِلّی تقسیم می‌نماید که عوامل عِلّی (شرایطی هستند که مقوله اصلی را مستقیماً ایجاد می‌کنند) عبارت‌اند از:

- عدم تمکین ارادی مشتری در پرداخت بدهی خود به دلیل امید کسب سودهای بیشتر آتی (چنانچه یک مشتری نوعی خود را مقید به بازپس‌دهی به‌موقع تعهدات خود بداند، نهایت تلاش خود را در ایفای تعهد نسبت به بانک خواهد نمود)؛
- عدم تمکین ارادی مشتری در پرداخت بدهی خود به دلیل کم بودن میزان جریمه تأخیر (مشتری سودجو با وجود امکان بازپرداخت بدهی خود، به دلیل امکان کسب سودهای آتی از محل دیگری نسبت به بازپرداخت بدهی خود اقدام ننماید)؛
- پیگیری نکردن جدی بانک در وصول مطالبات به دلیل افزایش هزینه‌های آن (بالا بودن هزینه‌های پیگیری وصول مطالبات برای شبکه بانکی خود ازجمله عواملی است که بانک‌ها را در

www.SID.ir

Archive of SID

پیگیری جدی وصول مطالباتشان بی‌رغبت می‌نماید؛ از جمله این هزینه‌ها می‌توان به زمان صرف شده در خصوص وصول مطالبات و نیز هزینه‌های کارشناسی پیگیری‌های حقوقی این پرونده‌ها اشاره نمود)؛

• تمرکز منابع بانکی در اختیار عده معدود به دلیل توانایی بدهکاران عمده در همراه سازی بخش‌های قضایی و انتظامی و یا اطاله فرایند بازپرداخت تسهیلات (بدهکاران بانکی با سوءاستفاده از خلأهای قانونی و ایجاد شرایط خاص از باز پس‌دهی تعهدات خود امتناع می‌ورزند).

این موارد همگی نشان می‌دهد که این افراد با علم به اینکه بانک قدرت و اهرم فشاری (نرخ پایین جریمه تأخیر و عدم وجود نظام وثیقه‌گذاری) برای بازپس‌گیری تسهیلات خود را ندارد و ساختار اثبات‌پذیری قرارداد نیز در نظام حقوقی کشور دچار خدشه است (هزینه پیگیری بالا از جانب بانک و همچنین خلأهای قانونی و اطاله فرایند بازپرداخت)، بر مبنای رفتاری فرصت‌طلبانه، می‌توانند تسهیلات را به هر روش و به اندازه زمانی که تمایل داشتند مورد استفاده قرار دهند و بانک هم با توجه به اینکه معمولاً در این شرایط قدرت چانه‌زنی کافی برای اجبار این افراد ندارد، گرفتار در قراردادی ناقص شده است که امکان خروج یا فسخ و یا برگرداندن تسهیلات پرداختی را ندارد. این شرایط دقیقاً نشان‌دهنده قرار گرفتن بانک در شرایط مشکل گرفتاری است.

۴. راهکارهای بهینه رفع مشکل گرفتاری در قراردادهای ناقص

با توجه به اینکه ساختار قراردادهای تسهیلات بانکی ناقص است و مجال کافی برای فرصت‌طلبی مشتری فراهم است، مطالعه ساختارهایی اهمیت اساسی دارد که این خلأها را پر می‌کند، تعارضات بین بانک و مشتری را کاهش می‌دهد و بین اهداف و انگیزه‌های طرفین سازگاری ایجاد می‌کند. این ابزارها و ساختارها به بانک کمک خواهد نمود تا نا اطمینانی نسبت به نتایج قرارداد و احتمالات آینده را کاهش دهد که در قرارداد پیش‌بینی نشده است.

۴-۱. راه‌حل نخست: غربال‌گری مشتریان

نخستین راهکار برای کاهش خطر فرصت‌طلبی، تلاش بانک برای غربال کردن مشتریان خواهد بود تا بتوان به صورت پسینی ریسک مشتری را کاهش دهد. در ساختار اقتصاد ایران غربال‌گری بهینه بانک نسبت به مشتریان دچار اخلال است. مهم‌ترین ساختار مانع غربال‌گری در اقتصاد، نظام تولید و عدم شفافیت مربوط به آن است. اساساً تولید (فعالیت در یک بنگاه اقتصادی) در ایران در

www.SID.ir

Archive of SID

یک بستر غیرشفاف صورت می‌گیرد که از نشانه‌های آن می‌توان به سهم بالای اقتصاد غیررسمی، فرار مالیاتی بالا، قاچاق و... اشاره نمود که خود برآمده از ضعف نظام اطلاعات و آمار در اقتصاد و نبود نظام اعتبارسنجی مناسب برای اشخاص حقیقی و حقوقی است (شهبازی، ۱۳۹۵، ص۲۸). این مسئله موجب می‌شود که شناسایی و تمییز میان بنگاه اقتصادی با سابقه خوب از بنگاه با عملکرد نامناسب بسیار پرهزینه و گاه غیرممکن باشد که سرانجام موجب می‌شود بانک نتواند به اطلاعات لازم جهت شناخت میزان توان بازپرداخت و سوابق مالی و اعتباری و کیفیت بنگاه متقاضی تسهیلات دست یابد. عملیاتی نمودن این راه‌حل نیازمند ایجاد سازوکارهایی در بیرون و درون نظام بانکی است. درواقع نیاز است تا حجم بخش غیررسمی اقتصاد کاهش یابد و درنتیجه نظام‌های اطلاعاتی و آماری کشور بهبود یابد تا بانک‌ها بتوانند براساس این اطلاعات به رتبه‌بندی و کیفیت مشتریان نظارت داشته باشند. از طرفی دیگر نیازمند ایجاد سازوکارهای دقیق اعتبارسنجی در درون نظام بانکی و اجرای سامانه‌های بانکداری متمرکز برای همه بانک‌ها و مؤسسات مالی کشور است.

۴-۲. راه‌حل دوم: مذاکره مجدد برای تکمیل قراردادهای ناقص

راهکار دیگر برای عبور از شرایط گرفتاری مذاکرات مجدد است. در قراردادهای ناقص با توجه به اینکه ساختار قرارداد به نوعی نگارش یافته است که تمام احتمالات آینده را لحاظ نکرده است نیاز است در صورت وقع احتمالاتی که در قرارداد لحاظ نشده‌اند مذاکره مجدد و توافق پسینی ایجاد شود و به مکانیسمی برای چاره‌جویی در مورد این احتمالات واقع‌شده، دست یافت و به نوعی بتوان قرارداد اولیه را نسبت به شرایط جدید تعدیل نمود. هارت (۱۹۹۵) می‌نویسد که قرارداد ناقص خلأها، بندهای فراموش‌شده و ابهاماتی دارد که به‌احتمال‌زیاد در برخی حالات باید با مذاکره مجدد یا دادگاه تکمیل کند.

با توجه به اینکه رابطه بانک و مشتری نه یک رابطه بازاری بلکه یک رابطه قراردادی پویاست در فضای قراردادهای ناقص یکی از مهم‌ترین مدل‌های بهینه‌سازی قراردادهای بانکی برای حل مشکل مطالبات معوق، ورود به عرصه مذاکره مجدد برای تعدیل قرارداد جهت متوازن‌سازی سهم‌بری طرفین از قرارداد است. این ساختار در فضای بانکی ایران معمولاً ذیل عنوان استمهال مطالبات معوق پیگیری می‌شود.

البته باید توجه کرد که مذاکره مجدد در مورد یک قرارداد منافع قرارداد را کاهش می‌دهد. استمهال مطالبات معوق نیز از منظر اقتصادی بهترین راه‌حل برای بانک نیست و مشتریان ممکن

www.SID.ir

Archive of SID

است از شرایط جدید برای کسب امتیاز از بانک استفاده کنند. استمهال ممکن است که بـه واسـطه تعیین تکلیف مطالبات معوق موجب تقویت کارایی پسینی شود؛ امّا به واسطه اینکه ابتدائاً ذهنیـت مشتریان برای برگشت منابع در مهلت معین را تخریب نموده و احتمال تمدیـد مهلـت پرداخـت را فراهم می‌آورد به نوعی کارایی پیشینی قرارداد را تخریب می‌نماید.

۴-۳. راه‌حل سوم: همبستگی بین بانک و مشتری (بانکداری رابطه‌محور)

اگرچه مسئله مذاکره مجدد می‌تواند باعث کاهش آثار نقص در قراردادهای مالی شـده و تـا حـدی مشکلات را مرتفع کند، امّا همیشه مذاکره مجدد راهگشای حل مشکلات نخواهد بـود. افـزون‌بـر این نیاز است تا ساختار و الگویی پیشینی برای مواجهه بانک و مشتری وجود داشته باشد تـا هزینـه مذاکره مجدد به بانک تحمیل نشود. برای این منظور باید افزون‌بر توجه به سـاختار انگیزشـی درون قرارداد، مسئله کنترل را نیز در ساختار انگیزشی درون قرارداد مورد توجه قرار داد.

یکی از خلأهـا و محـدودیت‌های پژوهش‌هـا و راهکارهـا در مـورد تحلیـل رفتـار عـاملین در قراردادها نگاه ایستا به رابطه‌ها در قراردادهای مالی است. معمولاً فرض می‌شـود کـه در ابتـدا یـک قرارداد مالی امضا می‌شود و نحوه تقسیم بازده قرارداد مشخص می‌شود، سپس با توجه بـه قـرارداد، افراد براساس ترجیحات خود تصمیم می‌گیرند و درنهایت قـرارداد بـه اتمـام می‌رسـد و بـازده بـین طرفین تقسیم شده و سپس طرفین از یکدیگر جدا می‌شوند. حال آنکه روابط اقتصادی دنیای واقعی پیچیده‌تر از این صورت‌بندی است.

نظریه قراردادهای ناقص حوزه قراردادهای مالی بر این نکته تأکید می‌کنند که رابطـه مشـتری و بانک یک رابطه پویا و نه ایستاست که در آن طرفین نمی‌توانند قراردادی را به امضا برسانند که تمـام حالت‌ها و وضعیت‌های آینده که بر قرارداد مؤثر است را در خود جـای داده باشـد. امـا سـؤال ایـن است که با توجه به اینکه برخی از تصمیم‌های آینده باید در پاسخ به ایـن شـرایط احتمـالی باشـد، حال ساختار قراردادی باید بر چه منوالی باشد؟

براساس نظریه کنترل مشکلات مربوط به اثبات‌پذیری، قابلیت اجرا، مشـاهده‌پذیری و تعهـدها مانع از ایجاد قراردادهای کامل می‌شود. به دلیـل فقـدان قراردادهـای کامـل طلبکـاران (بانـک) در مقابل بدهکاران (مشتریان) وضعیت بی‌دفاع خواهند داشت که این مسئله آنها را مجبـور بـه تـلاش برای کنترل بدهکاران به‌منظور جلوگیری از ضرر و زیان خواهد کرد. در این شرایط می‌تـوان اثبـات

www.SID.ir

Archive of SID

نمود که بهترین نوع قرارداد[1] بین مشتری و بانک قراردادهای مالی مشروط و تکرار شونده[2] است (بوئلز و همکاران، ۲۰۱۲).

در این نوع قراردادها بانک ساختار انگیزشی درون قرارداد را به نوعی ایجاد می‌کند که مشتری بر طبق نظر او عمل کند. در این شرایط قرارداد تأمین مالی در هر دوره متناسب با عملکرد مشتری در دوره قبل تجدید می‌شود؛ در صورتی که مشتری در دوره قبل به تعهدات خود عمل نماید، قرارداد تأمین مالی مجدداً تجدید و تکرار می‌شود و در غیر این صورت تسهیلات تکرار نخواهد شد. بدون یک رابطه پیوسته و مداوم بین بانک و مشتری امکان اجرای این نوع از قرارداد وجود ندارد.

از سوی دیگر، تئوری‌های اطلاعاتی (تومکا، ۲۰۰۱) نیز بیان می‌کنند که تناسب اطلاعاتی بین طلبکاران و بدهکاران وجود ندارد. ازآنجایی‌که بانک‌ها طلبکاران هستند که اطلاعات کمی در مورد بدهکاران و یا کسانی دارند که نیازمند به امتیاز هستند، اگر این شرایط ادامه پیدا کند بدهکاران قابل‌اعتماد به اندازه غیرقابل اعتمادها اعتبار دریافت می‌کنند. نهادی که می‌تواند این مشکل عدم تناسب اطلاعاتی را برطرف کنند، نهاد به‌هم‌پیوستگی است که وظیفه این نهاد و ساختار، نظارت بر بدهکاران با دسترسی به اطلاعات شخصی آنهاست.

یکی از بهترین راهکارهای به‌هم‌پیوستگی در فضای قراردادهای ناقص، اتخاذ الگوی بانکداری رابطه‌ای[3] به جای الگوی بانکداری مبادله‌ای[4] است. بانکداری مبتنی بر رابطه، واژه‌ای است که امروزه برای نشان دادن رابطه‌ای به‌کار می‌رود که در بازار اعتباری میان بنگاه و بانک وجود دارد. بانکداری یا وام‌دهی مبتنی بر رابطه در سراسر جهان همچون اتحادیه اروپا و به‌ویژه کشورهایی نظیر آلمان با نظام بانک‌محور وجود دارد که در آن روابط مشتری و وام‌گیرنده قوی است.

به‌طورکلی زمانی وام‌دهی مبتنی بر رابطه وجود دارد که یک بنگاه با نهاد مالی (اعتباری) ارتباط نزدیک و تنگاتنگ داشته باشد. به‌طورکلی بانکداری مبتنی بر رابطه، بر مذاکره بین بانک و بنگاه برای دریافت تسهیلات و همچنین استمهال آنها استوار است. اطلاعاتی که در وام‌دهی مبتنی بر رابطه مورد استفاده قرار می‌گیرد، معمولاً از جنس داده‌های نرم هستند؛ اطلاعاتی همچون شخصیت، اهلیت و اعتمادپذیری و غیره، که عموماً تشخیص آنها از روش‌های معمولی آسان نیست.

1. optimal contract.
2. contingent renewal contract.
3. Relationship banking (Lending).
4. Transactional Banking (Lending).

www.SID.ir

Archive of SID

یک بانکداری مبتنی بر رابطه (یک ارتباط مداوم بین مؤسسه مالی و بنگاه برای تدارک خدمات مالی از طریق مبادلات ساده) به مجموعه‌ای از اطلاعات وابسته است که برای تصمیم‌گیری در مورد کامل کردن دوره قرارداد استفاده می‌شود. بانکداری مبتنی بر رابطه از دو اصل اساسی برخوردار است: اول ورود به تعاملات چندگانه با مشتریان (تسهیلات‌گیرندگان) و دوم از طریق ورود به محصولات متعدد و در نتیجه سرمایه‌گذاری در به دست آوردن اطلاعات اختصاصی در خصوص وام‌گیرندگان با وجود هزینه‌بر بودن آن است (بوت، ۲۰۰۰، ص۱۰).

به‌طورمعمول در صورتی می‌توان ارتباط یک بنگاه و بانک را از جنس بانکداری رابطه‌محور دانست که تأمین همه یا نسبت بالایی از منابع مالی مورد نیاز یک مشتری توسط یک بانک انجام شود. این مسئله در مقابل بنگاه‌های دیگر قرار دارد که رابطه استقراضی چندگانه با چند بانک دارند.

در بانکداری مبادله‌محور، رابطه بانک و مشتری براساس یک قرارداد پایاپای[1] جلو می‌رود؛ امّا بانکداری رابطه‌ای، یک نوع قرارداد ضمنی بلندمدت بین بانک و بدهکاران است و به رویکردی اشاره دارد که در آن مؤسسه اعتباری بیشتر با اتکا بر اطلاعات کیفی گرفته شده از دریافت‌کنندگان تسهیلات تصمیم به پرداخت یا عدم پرداخت تسهیلات می‌نماید. در رویکردهای دیگر مثل رویکرد پرداخت تسهیلات مبادله‌محور، تمرکز بر روی اطلاعات کمی گرفته شده از گیرنده تسهیلات است. روابط پرداخت تسهیلات به‌عنوان ابزاری ضروری برای نزدیک کردن منافع تسهیلات‌گیرندگان با منافع تسهیلات‌دهندگان طی یک سازوکار غربال‌گری مطرح می‌باشد که مشتریان اقتصادی معتمد را شناسایی و دریافت‌کنندگان تسهیلات خوب را از بد متمایز می‌کند (شهبازی، ۱۳۹۵، ص۱۵).

افزون‌بر این برخی بر این باورند که بانکداری مبتنی بر رابطه، نیازمند ساختار سازمانی متفاوتی به نسبت بانکداری مبادله‌ای است و در قالب رویه‌ها و ساختارهای موجود در بانکداری (مبتنی بر مبادله) نمی‌توان تسهیلات‌دهی مبتنی بر رابطه داشت؛ به این دلیل که در بانکداری رابطه‌ای اساساً نیاز به یک رابطه و شناخت نزدیک بین مدیر بانک و مشتری وجود دارد و این مسئله نیازمند این است که مدیری که قرار است تصمیم بگیرد به یک بنگاه مبتنی بر وام‌دهی رابطه‌ای تسهیلات بدهد نیازمند اختیارات بیشتری نسبت به حالت بانکداری مبادله است؛ البته باید توجه کرد که اگرچه در بانکداری رابطه‌ای می‌توان اختیارات بیشتری به مدیران بانک‌ها داد، ولی برای جلوگیری از مضرّات

1. arms-length contract.

قراردادی است که طرف‌های یک مبادله (تعامل) از یکدیگر مستقل هستند. برخلاف قراردادهای رابطه‌ای، قراردادهای پایاپای بیشتر بر پایه رقابت بین تأمین‌کنندگان استوار است.

www.SID.ir

Archive of SID

این افزایش اختیارات (مانند مشکل نمایندگی، لحاظ منافع شخصی و...) باید نظارت بیشتری بر مدیران در خصوص تصمیمات اعتباری اعمال شود (برگر، ۲۰۰۲، ص۴۰).

می‌توان گفت که اثر منفی فرصت‌طلبی با تغییر الگوی رابطه مالی بانک با بنگاه از رابطه بدهی محور به رابطه بدهی (وام) و مشارکت (سهام‌داری) از بین می‌رود. حال آنکه اشمیت (۲۰۰۷) نشان داده است که براساس اطلاعات سری زمانی، بنگاه‌های بد تمایل دارند از وام‌دهی مبتنی بر رابطه به بانکداری متعارف (وجود استقلال بین طرف‌های مبادله) منتقل شوند.

در اقتصاد ایران نیز شواهد تجربی نشان داده است که بانکداری رابطه‌محور امکان کاهش نقص در قرارداد و بهبود فضای تأمین مالی بنگاه‌ها را به دنبال خواهد داشت. عرب مازار و همکاران (۱۳۹۶) نشان دادند که در بانک‌های ایرانی، بانکداری (وام‌دهی) رابطه‌ای بر هزینه مبادله نظام بانکی تأثیر منفی دارد. افزایش روابط و ارتباط میان بانک و دریافت‌کنندگان تسهیلات موجب کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه دریافت‌کننده تسهیلات شده و همچنین جمع‌آوری اطلاعات لازم برای طرف پرداخت کننده را آسان‌تر می‌کند، درنتیجه موجب کاهش عدم اطمینان محیطی و کاهش عدم تقارن اطلاعات می‌شود و هزینه هماهنگی را نیز کاهش می‌دهد. فروغی‌فرد (۱۳۹۵) با بررسی ۴۸۵۰ تسهیلات پرداخت شده توسط یکی از بانک‌های کشور می‌نویسد که قرض‌دهی رابطه‌محور به‌عنوان راه‌حلی جهت کاهش مشکل عدم تقارن اطلاعات به مزیت هزینه‌ای برای بانک‌ها منجر می‌شود. بانک‌ها این مزیت را با کاهش نرخ سود و افزایش دسترسی به وام، به مشتری منتقل می‌کنند.

۵. نتیجه‌گیری

در فضای پیچیده و نامطمئن اقتصاد مدرن، قراردادها معمولاً ناقص هستند؛ به‌ویژه قراردادهای مالی به واسطه ویژگی‌های ذاتی، آنها را باید در چارچوب نظریه قراردادهای ناقص تحلیل نمود. از جمله دلایل نقص در قراردادها می‌توان به اثبات‌ناپذیری قرارداد، هزینه مبادله، ابهام در قرارداد، پیچیدگی و نا اطمینانی اشاره نمود. بررسی این پژوهش نشان می‌دهد که این عوامل در نظام بانکی ایران نیز موجود است. توان اندک نظام حقوقی برای استیفای حقوق طرفین و هزینه مبادله بالای رابطه تسهیلات‌دهی، پیچیدگی‌ها و ابهامات نظام قراردادهای بانکی از جمله مهم‌ترین دلایل نقص در قراردادهای تسهیلات‌دهی نظام بانکی کشور است.

وجود شرایط قراردادهای ناقص باعث می‌شود تا شرایط فرصت‌طلبی برای یکی از طرفین قرارداد به وجود آمده و طرف دیگر درگیر مشکل گرفتاری در یک توافق و قرارداد غیر سودآور شود. در این شرایط طرف گرفتار در قرارداد باید به سمت ایجاد سازوکارهایی برای کاهش فرصت‌طلبی طرف

www.SID.ir

Archive of SID

مقابل در قرارداد حرکت نماید تا از تغییرات رفتارهای نامطلوب طرف دیگر در امان بماند؛ ازاین‌رو این رویکرد، به متوازن‌سازی نفع‌بری ذی‌نفعان از قرارداد در شرایط قراردادهای ناقص اقدام می‌کند.

این پژوهش تلاش نمود مشکلات و چالش‌هایی برآمده از قراردادهای ناقص در فضای بانکی کشور را تبیین نموده و چارچوب نظری برای تحلیل این چالش‌ها و راه‌حل‌های بهینه برای پاسخگویی به این مشکلات فراهم آورد. مهم‌ترین مشکلات برآمده از نقص در قراردادهای بانکی مسئله گرفتاری بانک‌ها در مطالبات معوق، انحراف در تسهیلات بانکی و صوری‌سازی قراردادهاست.

حل این مشکلات نیازمند استفاده از مدل‌های بهینه‌سازی نظام قراردادهای بانکی است تا امکان فرصت‌طلبی به حداقل برسد. بر این اساس سه راهکار غربال مشتریان، مذاکره مجدد و بانکداری رابطه‌محور را می‌توان سازوکارهای بهینه برای کاهش انحرافات مشتریان در قراردادهای تسهیلات با بانک‌ها دانست.

مسئله غربال‌گری مشتریان با توجه به اقتضائات اقتصاد ایران مانند نبود اطلاعات کافی از مشتریان در بانک‌های اطلاعاتی و حجم زیاد اقتصاد غیررسمی چندان میسر نیست. همچنین، مکانیسم مذاکره مجدد نیز اگرچه در فرایند استمهال بدهی‌ها در نظام بانکی دنبال می‌شود، امّا همیشه امکان رسیدن به یک توافق بهینه را ایجاد نمی‌کند؛ همان‌طورکه باعث کاهش سودآوری بانک‌ها نیز می‌شود و این راهکار برای برطرف شدن این مشکل کافی نیست.

در نظریه قراردادهای ناقص، نظام قراردادی بهینه باید دو شرط تکرار شوندگی و مشروط به وضعیت بودن را دارا باشد و در واقع باید رابطه مشتریان و بانک‌ها به‌عنوان یک رابطه پویا و نه ایستا فهم شود. بدون یک رابطه پیوسته و مداوم بین بانک و مشتری، امکان اجرای این نوع از قرارداد وجود ندارد. ایجاد این همبستگی بین بانک و مشتری در ساختار بانکداری مبتنی بر رابطه متبلور می‌شود حال آنکه نظام بانکی کشور، بیشتر بر مبنای بانکداری مبادله‌ای به تسهیلات‌دهی اقدام می‌نماید. بانکداری رابطه‌محور می‌تواند هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهد و زمینه بروز مشکل فرصت‌طلبی را بسیار کاهش دهد که اجرای آن می‌تواند به کاهش مشکلاتی مانند تسهیلات معوق، صوری‌سازی عقود یا انحراف در تسهیلات بانکی کمک بسیاری نماید. البته باید توجه کرد که اجرای این نوع از بانکداری نیازمند، ساختار بانکداری متفاوتی است که در آن بانک‌ها یک رابطه طولانی‌مدت با مشتریان خود برقرار می‌کنند و بر این اساس بانک براساس اطلاعات «نرم» زیادی که از مشتریان خود کسب می‌کند می‌تواند مانع فرصت‌طلبی آنها شود.

www.SID.ir

Archive of SID

منابع

۱. اخوان، مهدی (زمستان ۱۳۹۳)، «قرارداد بیع متقابل توسعه فازهای ۲ و ۳ میدان گازی پارس جنوبی از منظر قراردادهای ناقص»، پژوهش‌نامه اقتصاد انرژی ایران، شماره ۱۳، (۳۲ صفحه - از ۱ تا ۳۲).

۲. احمدی کلیجی، سینا و علی دریجانی (۱۳۹۱)، برآورد هزینه‌های مبادله دریافت تسهیلات رسمی توسط کشاورزان (مطالعه ی موردی: استان گلستان)، ص۸۳-۹۹.

۳. بهاروندی، احمد؛ محمدرضا رنجبر فلاح و اصغر ابوالحسنی هستیانی (۱۳۹۵)، «بررسی رابطه معضل مطالبات غیرجاری و عملیات بانکداری بدون ربا در ایران»، تحقیقات مالی اسلامی، شماره ۱۰، ص۳۹-۷۴.

۴. بهاروندی، احمد و سیدروح‌الله احمدی حاجی‌آبادی (۱۳۹۱)، «خطر اخلاقی و ارائه الگوی کاربردی کاهش آن در عقود مشارکتی»، فصلنامه جستارهای اقتصادی، شماره ۱۷، ص۵۹-۸۶.

۵. حسيني، سيدصفدر؛ محمد خالدي؛ محمد قرباني و ابراهيم حسن‌پور (۱۳۸۴)، «بررسی هزینه‌های مبادله تسهیلات اعطایی بانک کشاورزی در مناطق روستایی ایران»، نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی(علوم و صنایع کشاورزی)، نیمسال دوم ۱۳۸۸، جلد ۲۳، شماره ۲، ص۳۶-۴۵.

۶. حقیقی، محمدحسن (۱۳۹۱)، تحلیل صوری‌سازی قراردادها در عملیات بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران، مطالعه موردی بانک‌های دولتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق(ع).

۷. سعدی، حسینعلی و محمود اکبری (۱۳۹۶)، «بررسی فقهی ماهیت عقد اجاره به شرط تملیک در بانکداری بدون ربا ج.آ.ایران»، پژوهشنامه بین‌رشته‌ای فقهی، پژوهشنامه میان رشته‌ای فقهی پاییز و زمستان ۱۳۹۶ - شماره ۱۱ (۳۹ صفحه - از ۳۱ تا ۶۹).

۸. شهبازی، موسی (۱۳۹۵)، الگوها و مبانی نظری رابطه بانک و بنگاه و تحلیل آن در نظام بانکی ایران، گزارش کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

۹. طغیانی، مهدی؛ سعید صمدی و زیبا صادقی (۱۳۹۴)، «تحلیل موضوع «اطلاعات نامتقارن» در قراردادهای مشارکتی بانکداری بدون ربا و راهکارهای آن»، معرفت اقتصاد اسلامی، شماره ۱۳، ص۵-۲۲.

www.SID.ir

Archive of SID

۱۰. عرب مازار، عباس؛ مهرداد نعمتی و امیر درویشی (بهار ۱۳۹۶)، «بررسی اثر روابط اعطای تسهیلات بر هزینه مبادله تسهیلات بانکی: مطالعه موردی بانک کشاورزی»، فصلنامه علوم اقتصادی، شماره ۳۸، ص۲۳-۵۴.

۱۱. عبدلی، قهرمان و حسن قوامی (۱۳۹۱)، «انطباق نظریه بازی‌ها (الگوی مدیرعامل) در عقد مشارکت مدنی»، دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، شماره ۸، ص۱۶۵-۱۸۴.

۱۲. عزیزنژاد، صمد؛ الهه مهرپرور و امین چراغان (۱۳۹۳)، «دلایل وصول نشدن مطالبات غیرجاری بانک‌ها (وثایق و تضمینات)»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۳۷۹۷.

۱۳. فروغی‌فرد، رسول (۱۳۹۵)، اثر قرض‌دهی رابطه‌محور روی شرایط قرارداد وام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه صنعتی شریف.

۱۴. قلیچ، وهاب (۱۳۹۵)، «بررسی میزان انطباق «قرارداد» و «عملیات» مشارکت مدنی با موازین شریعت در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران»، معرفت اقتصاد اسلامی، سال هشتم، شماره ۱۵، (صفحه - از ۵ تا ۲۴).

۱۵. قوامی، سیدحسن (۱۳۹۶)، «مدل نظری حل مشکل کژگزینی در عقود مشارکتی بانکداری اسلامی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۶۶، ص۱۹۱-۲۱۴.

۱۶. قوامی، سیدحسن؛ سیدمحمدرضا سیدنورانی؛ تیمور محمدی و منصور رنجبر (۱۳۹۷)، «بررسی تطبیقی اثر علامت‌دهی متغیرهای قراردادهای مالی بدهی و مشارکتی»، مطالعات اقتصاد اسلامی، بهار و تابستان ۱۳۹۷، شماره ۲۰، علمی-پژوهشی (وزارت علوم)/ISC (۲۸ صفحه - از ۱۱۶ تا ۱۴۳).

۱۷. زاهدی وفا، محمد هادی؛ قوامی، حسن (۱۳۹۰)، «الگوی مضاربه بر مبنای الگوی مدیر عامل در شرایط کژمنشی»، پژوهشنامه اقتصادی (دانشگاه علامه طباطبایی) زمستان ۱۳۹۰ - شماره ۴۳، علمی-پژوهشی (وزارت علوم)/ISC (۱۸ صفحه - از ۲۳۹ تا ۲۵۶).

۱۸. درخشان، مرتضی (۱۳۹۵)، نظریه قراردادها، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).

۱۹. مسعودی‌پور، سمانه (۱۳۹۰)، ارزیابی هزینه‌های مبادله بازار مالی رسمی بخش کشاورزی و عوامل مؤثر بر آن؛ (مطالعه موردی: شهرستان مشهد)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی.

۲۰. مکیان، سیدنظام‌الدین و رضا محبی (۱۳۹۲)، «اطلاعات نامتقارن و وام بانکی: مطالعه موردی سیستم بانکی ایران»، فصلنامه سیاست‌گذاری اقتصادی، شماره ۱۰، ص۷۷-۹۷.

www.SID.ir

Archive of SID

۲۱. موسویان، سیدعباس و روح‌اله غلامی (پاییز و زمستان ۱۳۹۲)، «بررسی راهکارهای استمهال مطالبات غیرجاری در بانکداری بدون ربا»، فصلنامه روند، سال بیستم، شماره ۶۳ و ۶۴، ص۱۰۹-۱۴۰.

۲۲. نصیری اقدم، علی و الیاس نادران (۱۳۸۵)، «هزینه مبادله تأمین مالی بنگاه‌های تولید- ساخت» (مطالعه موردی ۴۰ بنگاه کوچک)، تحقیقات اقتصادی، مرداد و شهریور ۱۳۸۵ - شماره ۷۴، علمی-پژوهشی (وزارت علوم)/ISC (۴۰ صفحه - از ۸۳ تا ۱۲۲).

۲۳. مصباحی، غلامرضا (۱۳۸۳)، «بررسی آموزش اقتصاد پول و بانکداری در جمهوری اسلامی ایران»، اقتصاد اسلامی، ۴(۱۵)، ص۹۹-۱۲۷.

۲۴. مداحی، جواد (۱۳۸۶)، «آسیب‌شناسی مطالبات معوق»، بانک، پاییز ۱۳۸۶، ص۳۶-۴۲.

25. Aghion, P., and Bolton, P., (1992), "an Incomplete Contracts Approach to Financial Contracting", *Review of Economic Studies*, 59, 473–494.
26. Argyres, Nicholas, (2010), *The Transaction as the Unit of Analysis*, ch. 13 in, The Elgar Companion to Transaction Cost Economics, Edward Elgar.
27. Bowles, S., Fong, C. M., Gintis, H., & Pagano, U. (2012), *The new economics of inequality and redistribution*. Cambridge University Press.
28. Boot, A. W. A., (2000), "Relationship Banking: What do we know? ", *Journal of Financial Intermediation*, 9 , pp. 7–25.
29. Berger, A. N., & Udell, G. F., (2002), "Small business credit availability and relationship lending: The importance of bank organisational structure", *The economic journal*, *112*(477), F32-F53.
30. Casas-arce, Pablo, Kittsteiner Yz, Thomas, (2009), "Opportunism and Incomplete Contracts", *Working Paper*, 1-43, available at: http://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download?doi=10.1.1.320.249&rep=rep1&type=p df.
31. Grossman, Sanford J., and Oliver D. Hart, (1986) "The Costs and Benefits of Ownership: A Theory of Vertical and Lateral. Integration", *94 Journal of Political Economy*, 691-719.
32. Hart, Oliver and John Moore, (1990), "Property rights and the Nature of the Firm", *98 Journal of political Economy*, 119-68.
33. Hart, Oliver, (1995), "Corporate Governance: Some Theory and Implications", *Economic Journal, Royal Economic Society, Royal Economic Society*, May, vol. 105(430), pp. 678-89.

www.SID.ir

Archive of SID

34. Hart, O. D., (2008), "The Market Structure is Incomplete", *Incomplete Markets*, *1*, 80.
35. Hart, O., (2017), "Incomplete contracts and control", *American Economic Review*, *107*(7), 1731-52.
36. Schmieder, C., Memmel, C., & Stein, I., (2007), "Relationship lending: empirical evidence for Germany", (No. 2007, 14) *Discussion Paper*, Series 2: Banking and Financial Supervision.
37. Schmidt ,Klaus M., (2010), "Contract Theory", Summer, LMU Munich.
38. Schwartz, Alan, (1998), Incomplete Contracts. The New Palgrave Dictionary of Economics and the Law, edited by Peter Newman, 3 volumes (London: Macmillan Publishers; New York: Stockton Press).
39. Torbert, Preston M., (2014), "A Study of the Risks of Contract Ambiguity", *Peking University Transnational law Review*, May 1, vol. 2, issue 1, pp. 1-114.
40. Tomka, Bela. (2001),"Interlocking Directorates Between Banks and Industrial Companies in Hungary at the Beginning of the Twentieth Century", *Business History*, vol. 43, 25-42.
41. Williamson, Oliver E., (1996), *The Mechanism of Governance*, New York: Oxford University Press.
42. Williamson, O. E., (1985), *the Economic Institutions of Capitalism*, New York: The Free Press.

www.SID.ir